

خبرها

اسماعیل میرفرخایی در رادیو گفت‌وگو



میرفرخایی تهیه و پخش می شود. این برنامه با موضوع محیط زیست با حضور صاحب‌نظران و متخصصان امر در هر قسمت به یکی از مسائل زیست محیطی کشور می‌پردازد. تاکنون نیز موضوعاتی همچون: بررسی شرایط مختلف ادبی، سینمایی، معماری و نقاشی و غیره جزیره‌ای، شمس الله شریعت‌نژاد و جمال قدوسی(به عنوان کارشناس) در این برنامه بررسی شده‌اند. این برنامه به سردبیری و تهیه‌کنندگی پروین کابوسی و در مدت زمان ۴۵ دقیقه تولید و پخش می شود.
برنامه رادیویی «قصه یک اثر» به بررسی روند آفرینش آثار شاخص در زمینه‌های مختلف ادبی، سینمایی، معماری و نقاشی و غیره می‌پردازد. این برنامه با دعوت از صاحب‌نظران مطرح در هر زمینه، شاخص‌ترین آثار مربوط و روند خلق این آثار را کنکاش و تحلیل می کند. این برنامه ۳۰ دقیقه‌ای را حمیدرضا پورعلی محمد سردبیری و تهیه می کند و محسن قضاپیان و استیون آوانسیان اجرای آن را برعهده دارد.
برنامه رادیویی «گویتار از کلام» با اجرا و کارشناسی هوشنگ جاوید با موضوع بررسی مسائل و مشکلات موسیقی کشور تهیه و تولید می‌شود. این برنامه هر شب از ساعت ۲۳ و به مدت ۳۰ دقیقه پخش می‌شود. محمود مختاری سردبیر و تهیه‌کننده «گویتار از کلام» است.

«زمان، مکان، نمایش»

مجموعه نمایش رادیویی با عنوان «زمان، مکان، نمایش» در شبکه رادیویی گفت‌وگو تهیه و تولید می‌شود. در این مجموعه، گفت‌وگوهایی با مفابر جهان در زمینه‌های مختلفی همچون فرهنگ، هنر، فلسفه، سیاست تنظیم و پس از تولید در اداره کل نمایش پخش می‌شود. تاکنون گفت‌وگوهایی با فرانسیس یکن، ژوزه ساراماگو، آلفرد هیچکاک و آرتور میلر در این برنامه تهیه و پخش شده است. از جمله نمایش‌هایی که آماده پخش هستند نیز می توان به گفت‌وگوهایی نمایشی با بیل وایلر (فیلمساز)، «هربرت مارکوزه (فیلسوف و سیاستدار) در یک قسمت اشاره کرد. همچنین با کتسیوس، پتر بروک، گابریل گارسیا مارکز، هر کدام در دو قسمت نیز به زودی گفت‌وگوی نمایشی خواهد شد و در قالب نمایش برای علاقه‌مندان پخش خواهد شد. این برنامه را حمیدرضا پورعلی محمد سردبیری، نادر برهانی مرند کارگردانی می‌کنند و با یازگان اداره کل نمایش صدا، ایفای نقش ها را بر عهده دارند. زمان، مکان، نمایش ساعت ۲۲/۳۰ پخش می‌شود.

«چاپ دوم»

برنامه «چاپ دوم» چکیده‌ای از مهمترین گفت‌وگوی منتشر شده در روزنامه‌های کثیرالانتشار کشور را معرفی و بررسی می‌کند و سعی دارد که در حد امکان به تمام گفت‌وگوهای مطبوعات پردازد. در این برنامه که همه شب و از ساعت ۲۰/۲۰ دقیقه پخش می‌شود علاوه بر معرفی مطالب یاد شده، روند و ویژگی‌های جدیدترین گفت‌وگوهای روزنامه‌های کشور نیز بررسی می‌شود. بنا به اعلام حمیدرضا حسینی، سردبیر چاپ دوم، در این برنامه و در مدت زمان ۱۵ دقیقه سعی شده موضوعات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ورزشی مطبوعات امروز و بررسی شود. حمیدرضا حسینی سردبیری چاپ دوم، فرنوش بهرام‌پور اجرا و حمیدرضا پورعلی محمد تهیه آن را برعهده دارند.

«آرم»
برنامه رادیویی «آرم» با موضوع بررسی شرایط و معماری رسانه‌ها در عصر ارتباطات پخش می‌شود. آرم با حضور عطاالله بطحی به عنوان سردبیر و مجری به طرح مباحث مختلف در زمینه معماری رسانه‌ها در عصر ارتباطات پرداخته و کارشناسان و استادان ارتباطات دانشگاه‌های کشور او را در تبیین موضوع همراهی می‌کنند. تاکنون نیز موضوعاتی همچون نظارت بر برنامه‌های رادیویی، آسیب‌شناسی رسانه‌ها، ارتباطات و معماری دانش فناوری در رسانه‌ها با حضور علی گرانمایه، امیرمسعود مظاهری، مهناز افشار و شهناز هاشمی در فضایی چندصدایی نقد و بررسی شده‌است. آرم را حمیدرضا صابری نژاد در ۳۰ دقیقه تهیه می‌کند.
علاقه‌مندان می‌توانند هر روز برنامه‌های این شبکه را از ساعت ۱۸ تا ۲۴ هر روز پنج‌اام ۹ و رديف ۱۰۳/۹ مگاهرتز بشنوند و همچنین برای کسب اطلاعات بیشتر به پایگاه اینترنتی شبکه گفت‌وگو، به نشانی اینترنتی www.irirg.com مراجعه کنند.

«حوزه آمريکا صدای آشنا به بررسی ادیان

دنيا می‌پردازد

ایستا : «و اینک انسان»عنوان برنامه‌ای با محتوای مذهبی است که در گروه طرح و تولید حوزه‌آمریکا شبکه جهانی صدای آشنا، به بررسی تمام ادیان دنیا می‌پردازد. این برنامه با بررسی پنج موضوع «مکاتب شیعه‌دینی»، «ترتیب فرزندان»، «مناظیرت‌یک»، «عرفان و سنت اسلامی» و «مورع‌باوری» و سعی می‌کند دیدگاه ادیان مختلف را به ارائه راهکارهای دینی، نسبت به این موضوعات بیان کند. سازندگان این برنامه هدف اصلی برنامه «و اینک انسان»را، و مقایسه و تطبیق ادیان تمام دنیا بدون تعصب گرایي و جانب‌داری خاص عنوان کرده‌اند و افزوده‌اند: «دین‌ها را از لحاظ علمی و منطقی با هم قیاس می‌کنیم؛ ضمن آن که مکاتب و باورهای درست و نادرست شایع در دین را، معرفی خواهیم کرد.»
مریم یوسفی پور، کارشناس ادیان و عرفان، سردبیر این برنامه است. «و اینک انسان» از روز دوشنبه تا جمعه هر هفته ساعت ۷ به وقت تهران، برابر با ساعت ۳/۳۰ به وقت گرونیچ، به مدت ۳۰ دقیقه، از شبکه جهانی صدای آشنا پخش می‌شود.

در وایسین روزهای اردیبهشت ماه سال ۸۵، چند روز مانده به برگزاری جشنواره بین‌المللی صدا در زیباکنار،

سالن اجتماعات ساختمان شهدای رادیو میزبان مهمانان خارجی ای بود که از کشورهای آلمان، فرانسه و هلند به ایران سفر کرده بودند تا تجربه‌ها و دستاوردهای حاصل از سال‌ها و برنامه‌سازی در ایستگاه‌های رادیویی کشورشان را با برنامه سازان صدای جمهوری اسلامی ایران در میان بگذارند.

دکتر کریستین کانوویل مهمان فرانسوی جشنواره طبق برنامه اعلام شده، راس ساعت ۹ صبح به همراه مترجمش در سالن حاضر شد و به انتظار رسیدن مخاطبانش نشسته بود. برای او انتظار طولانی و خسته‌کننده‌ای بود اما در عوض تجربه خوبی بود که اگر روزی روزگاری دوباره گذرش به ایران افتاد و کسی حرفی مشابه «راس ساعت ۹ جلسه برگزار می‌شود» زد آن را چیزی بیش از یک شوخی مرسوم ایرانی نداند.

■ ■ ■

۱۵ سال است که در دانشسرای عالی لویی لومیر در شهر پاریس به کار تدریس صابرداری سینمایی و رادیویی مشغول

است. ۲۰ سال است که در رادیو و سینما کار صابرداری انجام می‌دهد و تهیه‌کننده نمایشنامه‌های رادیویی نیز هست. کریستین کانوویل که در حال حاضر مشغول تدوین تز دکترایش با عنوان : «اشکال سکوت در سینما» است، به تهران سفر کرده تا یک روز درکنار برنامه سازان صدای ملی ایران از فرآیند آفرینش تصاویر صوتی و «ارتباط سه‌گانه میان نویسنده موضوع و شنونده سخن بگوید.

■ **چرا به رادیو گوش می‌دهیم**

استاد دانشسرای عالی لویی لومیر پاریس به سنت همکارانش در حوزه‌های آکادمیک فرانسه از همان ابتدا تکلیف خود و مخاطب را با مفاهیم اصلی بحث روشن می‌کند.

«اما برای آگاه‌شدن، سرگرم شدن، آموزش دیدن و دور شدن از تنش‌های کار و زندگی روزمره به رادیو گوش می‌دهیم.»

کانوویل به این نیازها، نیاز به تغییر و گریز را هم اضافه می‌کند. مقصود او از تغییر در اینجا، تغییر در زندگی خود شخص است. کانوویل معتقد است انتظار چنین تغییری مرکز انتظار بعید و دست‌نیافتنی‌ای نیست و اتفاقاً از مهم‌ترین کارکردهای رسانه رادیوست.

■ **اهداف**

رادیو با شنونده خود گفت‌وگو می‌کند، رادیو وسیله ارتباطی است که زبان خاص خود را دارد و در ارتباط سه هدف را دنبال می‌کند:

عرضه و نمایش، سنت و مدرک ارائه کردن و نوآوری و آفرینش.

به نظر کانوویل این سه هدف مشخص با درجات متفاوت در برنامه های مختلف رادیو نمود می‌یابد.

همان فرانسوی جشنواره بین‌المللی صدا، مهم‌ترین کارکرد و هدف رادیو را آفرینش تصاویر صوتی ماندگار و تاثیرگذار می‌داند. هر زمان که صدایی می‌شنویم فرآیندهای گوناگون ادراکی دست به دست هم می‌دهند تا تصویری در ذهن ما میافرینند. تصویری که می‌تواند به تعداد شنوندگان برنامه رادیویی متنوع و متکثر باشد.

■ **حس شنوایی بیشتر از حس بینایی خلاقیات دارد**

حسی که واسطه آفرینش این تصویر صوتی منحصربه‌فرد می‌شود، حس شنوایی است.

کانوویل پیش از پرداختن به فرآیندهای ادراکی که در آفرینش تصویر صوتی نقش دارند، از روبر برسون کارگردان فرانسوی یاد می‌کند:

«صدایی را می‌شنوید و صحنه را برای خود خلق می‌کنید. صدای صوت یک لوکوموتیو را می‌شنوید و ایستگاه قطار را می‌بینید. حال آنکه وقتی یک لوکوموتیو را می‌بینید اجباراً صدای سوت را نمی‌شنوید.»

تهیه‌کننده رادیو و سینمای فرانسه با استناد به لحن برسون معتقد است حس شنوایی بیشتر از حس بینایی خلاقیات دارد: «من اگر بتوانم یک دکور را با یک صدا جایگزین کنم، قطعاً صدا را ترجیح می‌دهم و آنجا این مزیت وجود دارد که به تخیل انسان‌ها می‌توان آزادی داد و آنجا می‌توان به این هدف دشوار رسید: نشان ندادن چیزها ولی الفا کردن به ذهن متبادر کردن آنها.»
در این نقل‌قول‌ها سخن از آفرینش دوباره، پرورش تخیل و الفاکردن اندیشه‌ای در زمان شنیدن است. رادیو، عاری از هر گونه تصویر، تنها با تصویرپردازی شنیداری می‌تواند شنوندگان خود رااضی کند. رادیو بیش از هر چیز تصاویر ذهنی را بیدار می‌کند و در بیشتر موارد این قدرت را دارد که تخیل انسان را به شدت تحریک کند.

■ **فرآیندهای ادراکی چگونه در آفرینش تصاویر صوتی در ذهن مخاطب نقش دارند؟**

شنونده، نخست از نقش فعالی که در فرآیند شنیدن بازی می‌کند آگاه نیست. او هنگامی که صدا یا مجموعه‌ای از صداها را می‌شنود تصویرهای صوتی را در ذهن خود شکل می‌دهد و سپس به شناخت و هویت‌سازی برای آنها می‌پردازد. برای تصاویر گاه توسط داستان‌هایی که در ذهن شنونده موجود است، دانش قبلی او، خواسته‌هایش، عواطف و نیاهی که به آن صحنه صوتی می‌تاباند، شکل می‌گیرند. اینها همه بخش یکپارچه‌ای از فرآیند مفهوم‌سازی برای صدا توسط شنونده است. بنابراین شنیدن یک فرآیند فعال است بدین گونه، «محل نمایش» یک برنامه صوتی، دیافراگم بلندگویی نیست که امواج صوتی از آن خارج

صدای سوت همان قطار است

گزارشی از سخنرانی کریستین کانوویل استاد صابرداری رادیو

مهسا رضوی



تصور می‌کند بلکه سیستم شنیداری و ذهن شنونده است. زمانی که آمادگی به دهنده شنونده‌هر دو در نظر گرفته شوند و تنظیمات بر پایه مهارت‌های شنیداری او انجام گیرد، می‌توان گفت که برنامه‌های مختلف صوتی (رادیویی) در شنونده عواطف جدیدی را می‌آفریند و درک جدیدی را در او شکل می‌دهد. کانوویل جالب‌ترین نکته این فرآیند را در این می‌داند که ارائه برنامه‌های صوتی از طریق رسانه رادیو در مواردی خاص برای مخاطب افق‌های جدیدی را در مورد اینکه «او چه کسی است» ایجاد می‌کند و می‌تواند عمیقاً شرایط زندگی او را دستخوش تغییر کند. حال باید دید چه فرآیندهای ادراکی در آفرینش تصویر صوتی نقش دارند.

■ **قصد و نیت**

تهیه‌کننده پیشکسوت رادیوی فرانسه معتقد است یکی از مهم‌ترین فرآیندهای ادراکی که در جریان آفرینش و برانگیختن تصویر شنیداری در ذهن مخاطب نقش دارد، قصد و نیت است. به نظر او گوش دادن عملی از روی قصد و نیت است و این عمل به شناخت‌هایی که شنونده از موقعیت و اشخاص ثبت شده در ذهنش دارد وابسته است. روانشناسان برای آمادگی ادراکی اهمیت فوق‌العاده‌ای قائلند و آنها معتقدند موقعیت و زمینه تولید صدا به دقت و هوشیاری جهت و سمت و سو می‌دهد؛ تصاویر ذهنی‌ای که شنونده آنها را تداعی می‌کند، حتی صداهایی که ممکن است ذهن را مشغول کنند تصغیف کرده و به کنار می‌نهد. برعکس برخی دیگر از اصوات که شنونده خواستار آنها است، راحت‌تر شناسایی و درک می‌شود، حتی اگر صدای محیط اطراف بسیار پرهیاهو باشد. عواطف و احساسات نیز در این میان نقشی بسزا دارند مثلاً گاهی برخی صداها برای شنونده بسیار آزاردهنده هستند، در این حالت شنونده از گوش دادن به آن امتناع می‌کند یا در حالت عکس دوست دارد به طور متدت آنها را گوش دهد.

بدین صورت شنونده با طی طریق بین ادراکات بیرونی و انتظارات درونی‌اش یک اثر صوتی برای خود خلق می‌کند، تاثیر متقابل این رفت و آمدها به جنبش‌ها و تحرکات موقتی شنونده جهت می‌دهد، این مسئله کاملاً روشن است که دقت و نیت در شنونده‌های گوناگون و در جوامع فرهنگی متفاوت با هم تفاوت دارد.

■ **یاد و خاطره**

یاد و خاطره دومین فرآیند ادراکی است که به نظر کانوویل در آفرینش تصویر شنیداری در ذهن مخاطب نقش دارد، به نظر او یک صحنه صوتی از اشکال شنیداری تشکیل شده که طی یک زمان مشخص یکی پس از دیگری به دنبال هم می‌آیند و بدین ترتیب یک جریان ممتد را می‌سازند. هر لحظه از زمان داده‌هایی مخصوص به خود را دارد و در عین حال داده‌های زمان گذشته و آینده نیز در کار هستند. زمان حال، گذشته را تأیید یا نفی می‌کند و راه را برای چیزهای قابل پیش بینی و غیرقابل پیش‌بینی در آینده باز می‌کند. بدین‌گونه حس و ادراک با اعمال ادراکی یک یکی پس از دیگری به دنبال هم می‌آیند پیشرفت می‌کند. ادراک همچنین به صورت یک فرآیند استنباطی که در آن بررسی‌ها، فرضیه‌ها و پیش‌دستی‌ها به دنبال هم آمده و در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند ظاهر می‌شود. در جهان پرتحرک حوادث صوتی و شنیداری شنونده با پیگیری آنچه با جریان ذهنی‌اش هماهنگی دارد صحنه صوتی را می‌سازد.

■ **احساسات و امیال**

سومین عاملی که به نظر کریستین کانوویل در آفرینش تصویر صوتی نقش دارد احساسات و امیال انسان‌ها است زیرا به نظر او فرآیند گوش دادن با احساسات و امیال اداره می‌شود. او در اثبات گفته خود به مجموعه صداهایی اشاره می‌کند که با درجه بیشتر و میزان بالاتری حضور دارند و در مقابل برخی دیگر به آسانی فراموش می‌شوند. حتی اگر برخی از اصواتی که برایمان بی تفاوت هستند از ذهن پاک کنیم باز نمی‌توان در مورد اصوات و صداهای ناخوشایند بی تفاوت بود، صداهایی نظیر سوختن چوب در یک شومینه، صدای جوش خوردن سوپ در یک قابلمه و اصواتی از این دست. ما حتی صدای یک مراسم عزاداری یا یک خاطره غم‌انگیز را نیز به خاطر داریم و بدین‌گونه است که احساسات و امیال آگاهی را آلوده نموده و باعث می‌شود ما نتوانیم برای همیشه چیزهایی را که شنیده‌ایم به یاد بسپاریم. صحنه صوتی به بیان رویاهای می‌پردازد و شکلی واقعی به خیال و



دارد. اما در شیوه دوم نویسنده با تصویری که خود در ذهنش دارد برای خود یک شنونده قراردادی خلق می‌کند، با این کار نوعی رابطه متقابل و آینه‌ای بین این دو به وجود می‌آید، از یک طرف نویسنده با حضور حساس موجودات و اشیایی که وی آنها را درک کرده و در اثرش به کار می‌برد خود را نشان می‌دهد. از طرف دیگر شنونده به قصد دریافت اثری با پیش فرض‌های خودش و فرهنگ و خواسته‌های خودش در جست‌وجوی آفرینش دوباره اثر با هویت و قدرت تشخیص خودش است. تفکر و اندیشه شنونده در جست‌وجوی این است که اثر را برای خودش تعبیر کند. برای پذیرش یک اثر شنونده مجبور است در ابتدا بصیرت نویسنده را در مورد جهان اطراف بپذیرد و آنگاه با خیال‌پردازی و تصویرسازی مطابق میل خودش به اثر وارد شود. در این شیوه تلاش شنونده نسبت به تفکر و اندیشه در سایه ذهنیت نویسنده در رنگ می‌سازد، زیرا شنونده در جست‌وجوی این است که اثر را برای خودش تعبیر کند، برای پذیرش یک اثر، شنونده مجبور است در ابتدا بصیرت نویسنده را در مورد جهان اطراف بپذیرد و آن گاه با خیال‌پردازی و تصویرسازی مطابق میل خودش به اثر وارد شود. در این شیوه، تلاش شنونده، نسبت به حالت قبلی از اهمیت بیشتری برخوردار است اما در شیوه سوم که به نظر کانوویل کمتر از شیوه‌های دیگر متداول است نویسنده و مخاطب در همه زمینه‌ها با هم روبه‌رو هستند و دیگر نویسنده در پی فریفتن یا راضی کردن مخاطب شنونده خود نیست. دیگر نویسنده تفکری قالبی نسبت به شنونده خود ندارد، اکنون بدون پیش‌دوری در مورد اینکه مخاطبش کیست و یا چه دوست دارد با وی روبه‌رو است. می‌توان گفت نویسنده به شنونده خود گوش می‌دهد، حال دیگر نویسنده حس می‌کند آنچه درک می‌کند توسط شنونده به راحتی شنیده می‌شود به همین دلیل هم هست که اثر به‌طور ضمنی یا آشکاراً نقد می‌شود. در این هنگام نویسنده با خالق اثر آنچه ضبط می‌کند را گوش می‌کند و حس می‌کند، سریعاً مطالبی توسط شنونده درک می‌شود زیرا شنونده به‌طور مستقیم در حال گوش دادن به اثر وی است. کانوویل معتقد است دیگر در این حالت خالق اثر با دریایی از سئوالات و مجهولات روبه‌رو نیست و نوعی ارتباطی برابر و تناوب با موضوع و شنونده برقرار می‌کند. با به‌وجود آمدن یک دیالوگ واقعی بین طرفین، اختلافات، سازنده می‌شوند و از آن پس سوره با موضوع ضبط شده دیگر به شئی برای تماشا بدل نمی‌شود، حال سوره یک «دیگر» حقیقی می‌شود.

کریستین کانوویل که در حال حاضر مشغول مطالعه درباره تز دکترایش با عنوان «اشکال سکوت در سینما» است معتقد است از آنجایی که شاید سکوت کمتر قالبی و متحجرانه باشد جالب است که به برخی آثار رادیویی که در آنها لحظه‌های سکوت اثرگذارتر از موضوع برنامه است نظری بفرستیم. به نظر کانوویل شنونده به خودش واگذاشته می‌شود، البته سکوت در رادیو امری محال است چون ممکن است آزاردهنده باشد به همین دلیل است که در زمان معاصر ایجاد رادیوهای مسکوت ممنوع است. اما سکوت در سینما بیشتر کاربرد دارد. به نظر کانوویل هنگامی که یک دیالوگ واقعی بین شنونده و شنونده برقرار می‌شود، شنونده نه می‌تواند خود را در یک سوره وارد کند و با نویسنده و خالقیتی که به او شبیه است مانوس شود و نه می‌تواند از حقیقت وجود خود بگریزد. در این حالت نه نویسنده و خالق و نه اثر نمی‌توانند یک مخاطب شنونده قراردادی و خیالی برای خود خلق کنند، لذت گوش دادن در تلافی برابر نگاه‌ها(خالق، برنامه و شنونده) به جهان پیرامون خلاصه می‌شود. نویسنده و شنونده در تناوبی حقیقی قرار می‌گیرند و هیچ چیز از دیگری پشیی نمی‌گیرد. همه می‌پذیرند که طرف مقابلشان برای آنها ناشناس بماند و در عین حال می‌پذیرند که شخص دیگری در وجود خودشان پیدا کنند. رم‌های موجود بین این شیوه‌های متفاوت به حدی محکم نیستند که بتوان آثار را به سه گروه تقسیم نمود. هر سه شیوه می‌توانند در آن واحد در یک اثر قرار بگیرند، دیگر نمی‌توان گفت که شنونده باید مطیع کامل اثر و تفکرات نویسنده و خالق اثر باشد. او می‌تواند اثر را بگریزند یا آن را رد کند، حتی می‌تواند از نظر ذهنی جدا شود و متوقف و دقت خود را بر حضور حساس که شئء صادارای یک موجود ویژه متمرکز کند. چنین صدا، حرکت، سخن مهم و سکوتی است که می‌تواند دقت مخاطب را تحریک و او را به تحرک واردود و قدرت و تخیل و اندیشه‌ی وی را برانگیزد تا اینکه در لحظه دلخواه، شنونده دوباره به جریان اصلی بازگردد. کریستین کانوویل در پایان از سخنان خود نتیجه می‌گیرد که وضعیت نویسنده و خالق اثر در مورد سوره یا موضوع و جایگاهی که وی برای شنونده در نظر می‌گیرد برای درک اثر بسیار حیاتی و پراهمیت هستند. حال باید پرسید: یک اثر تا کجا می‌تواند در تغییر و دگرگونی ذهنیت‌های نویسنده و شنونده به پیش برود؟ به نظر او، برخی از برنامه‌ها و آثار رادیویی با پذیرش این خطر که جایگاه شنونده را خود نتوانند کنند به نامتجانسی، اختلاط و ازمه‌پاشیدگی رسیده‌اند. استاد دانشسرای عالی لویی لومیر پاریس معتقد است اگر زمانی پس از پایان گوش دادن به یک اثر شنیداری از نظر فرهنگی خود را غنی تر احساس کردیم پس جهت‌گیری‌هایمان از دنیا نیز تا نابودی کامل گوش‌داری می‌ماند متغلب شده و می‌توانیم شیوه انسان بودن خود را نقد کنیم.

سال سوم ■ شماره ۷۸۶ *شرق*

ایستگاه شخصی

تنها متن است که می‌ماند

سام فرزانه
Sam.farzaneh@gmail.com

استاد رشته روزنامه‌نگاری به شاگرد سال‌های دورش می‌گوید که در اولین فرصت از رادیو برو. برگرد به روزنامه. جای تو همانجاست. برایش دلیل هم می‌آورد: «کارهای تحقیقی و تحلیلی در رادیو گم می‌شوند.»

به‌خاطرآرتان رجوع کنید. چند برنامه از گذشته‌های رادیو به یاد دارید. میان همان برنامه‌ها بگردید، ببینید چند برنامه از رادیو هست که به یاد شما مانده و برنامه موسیقی یا نمایش نیست؟ در لیستی که در ذهنتان آماده کرده‌اید، حتماً برنامه «گل‌های تازه» که موسیقی سنتی پخش می‌کرد و نمایش رادیویی «جانی دالر» در لیست شما هست. اما آیا یادتان هست در آن روزها و حتی همین یک هفته گذشته در رادیو درباره مسائل سیاسی، فرهنگی، تاریخی، دینی و اجتماعی چه صحبت‌هایی شد و کارشناسانی که مهمان رادیو بودند چه‌ها گفتند؟

با اجازه بزرگ‌تراها، جای شما پاسخ می‌دهم که «خیر». لابد برای همین «خیر» محکم است که استاد رشته روزنامه‌نگاری به شاگرد سال‌های دورش می‌گوید که در اولین فرصت از رادیو برو. برگرد به روزنامه. برای اینکه روزنامه آرشئو می‌شود و در آینده همه به یادش می‌آورند. اصلاً یک پای تحقیق درباره گذشته همین روزنامه‌ها هستند.

شاید سال‌ها پیش که رادیو یک‌تاز میدان رسانه‌های جدید بود، مردم برنامه‌های این رسانه را همواره به یاد داشتند و اگر توصیه‌ای پزشکی یا مذهبی به آنها می‌شد، آن توصیه و آن گونه‌ای یادشان نمی‌رفت. شاهد مثال هم خطیبی است به نام «راشد» که برنامه‌های مذهبی او هنوز در یاد قدیمی‌ترها هست و احتمالاً توصیه‌هایش را همچنان به کار می‌بندند. اگر آن روزها رادیو در یادها می‌ماند و اثرش از زمان پخش بیشتر بود دلیل نمی‌شود که امروز رادیو از یاد برود و همه برنامه‌های کارشناسی‌اش باد فنا شود. کافی است که هر روز پیچ رادیوی‌تان را بچرخانید و بشنود، مباحث ورزشی را در رادیو ورزش، مباحث پزشکی را در رادیو سلامت، مباحث فرهنگی، هنری و تاریخی را در رادیو فرهنگ، مباحث دینی را در رادیو معارف و مباحث شهری را از رادیوهای استانی و مباحثی درباره همه چیز و همه‌کس را در رادیو سراسری. از همه اینها مهم‌تر مباحثی است که قرار است از رادیو گفت‌وگو پخش شود و به لایه‌های عمیق‌تر مسائل سر بزند.

اما آیا چیزی از این برنامه‌ها باقی می‌ماند؟ آیا اصولاً امکان چنین چیزی برای سازمان صداوسیما ی ایران فراهم است؟

با اجازه بزرگ‌تراها، جای شما پاسخ می‌دهم که «آری». سازمان صداوسیما دارای امکانات ثبت و ضبط بسیاری است که از فضای روزگار (یا شاید امثال دیگر مدیران) برای ثبت این همه بحث و تحلیل و نظر به کار نمی‌رود.

چند مجله و یک روزنامه، بنگاه انتشاراتی بزرگ و سایتی که هنوز شبیه سایت‌های دم‌دستی و غیرحرفه‌ای است، ابزار ثبت این همه تلاش است. به شما خبر می‌دهم که چنین کاری در رسانه‌های نوشتاری و اینترنتی سازمان صداوسیما روی نمی‌دهد. کاری که بیشتر و بیشتر در سازمان‌های اینچنینی دنیا روی داده و مورد توجه همه دنیا هم است.

دو مثال می‌زنم: رادیو بی‌بی‌سی و رادیو NPR. این دو رادیو که یکی انگلیسی و دیگری آمریکایی است، هر دو سایت‌های خوبی دارند که می‌توان مقالات، گزارش‌ها و خبرهای خوب برنامه‌های شنیدنی‌شان را در سایتشان پیدا کرد.

به این آدرس سری بزنید و در سایت رادیو NPR درباره زندگی حیوانات آبی در ساحل رادیو گزارشی بخوانید و اگر اینترنت پرسرعت در دست دارید می‌توانید گزارش را بشنوید:

http://www.npr.org/templates/story/story.php?storyId=5488173

به این آدرس هم سری بزنید و در سایت رادیو بی‌بی‌سی گزارشی خدماتی از گروه تهیه برنامه رادیو چهار بی‌بی‌سی از قطب بخوانید:

http://www.bbc.co.uk/blogs/planetearthunderthreat

سایت بی‌بی‌سی متن برنامه‌هایش را (در صورتی که ارزشش را داشته باشد) روی سایت خبری و وبلاگش و گاهی هم در سایت هر کدام از ایستگاه‌های رادیویی‌اش قرار می‌دهد. به این ترتیب تحمل مشقات سفر به قطب همکارانش به هدر نرفته و ثبت می‌شود.

به این آدرس هم سری بزنید که صفحه اول سایت رادیو فرهنگ ایران است و در آن دو پاراگراف از مطالب را بخوانید که مربوط به زلزله بم است:

http://www.irib.ir/radio/farhang

لینک‌های مربوط به شنیدن برنامه‌های اخیر هم همین صفحه که گفتیم تقریباً کار نمی‌کنند. در حالی که در آن دو رادیوی دیگر که مثال زدم شما چند ده‌تایی از برنامه‌های گذشته را هم می‌توانید از طریق اینترنت بشنوید.

توانایی فنی، نگارشی و مالی در اختیار سازمان صداوسیما هست و مدیران این سازمان (که پشت سر مجری برنامه ورزشی جام جهانی تلویزیون می‌گذارند و تبلیغ پخش می‌کنند) توانایی کسب درآمد از این کار را هم دارند. پس چرا این‌طور نمی‌شود؟ با اجازه بزرگ‌تراها، جای شما پاسخ می‌دهم که «نمی‌دانم».

■ ■ ■

توضیح کپی‌رایتی: سوه این یادداشت از نویسنده و روزنامه‌نگار بزرگی است که چون اجازه ندارم، نامش را نمی‌آورم.